

آسیب شناسی رسانه

<?xml encoding="UTF-8?">

نقش رسانه های ارتباط جمعی در سرنوشت جامعه و تاریخ، آن چنان مهم است که می تواند افراد یک جامعه را به سوی تعالی و یا سقوط سوق دهد.

امروزه حضور گسترده رسانه های جمعی در جهت دهی به افکار عمومی جهان، از واقعیات انکارناپذیر می باشد که دنیای معاصر را از جهات متعدد تحت تأثیر قرار داده است. این معنا تا بدانجا پیش رفته که عصر حاضر را «عصر رسانه ها» نامیده اند.

افراط در بزرگ نمایی یک امر و یا تفریط در کوچک نمایی امر دیگر توسط رسانه های عمومی در طول تاریخ، موجب رخدادهای شگفت انگیزی گردیده است .

رسانه ها اعم از مکتوب، شنیداری، دیداری، گفتاری و دیجیتالی در دنیای امروز یکی از فراگیر ترین و کارآمدترین سلاح هایی هستند که می توانند در موارد مثبت و یا منفی به کار گرفته شوند. در نظام جمهوری اسلامی نیز برای تعمیق فرهنگ اسلامی و همچنین شفاف کردن وضعیت موجود و افق پیش رو و نقد عملکرد گذشته، رسانه ها نقش بی نظیری دارند.

رسانه ها اگر واقعا قصد اصلاح داشته باشند، مصداق این حدیث خواهند بود که امام صادق(علیه السلام) فرمود: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي [1]؛ بهترین دوست من، کسی است که عیب مرا به من هدیه کند».

امروزه این نقش هدیه کردن عیوب و نشان دادن کاستی ها و روشن کردن اشتباهات در بخش عمده ای از جامعه، می تواند به دست رسانه ها انجام شود.

وظایف رسانه ها

رسانه های متعهد باید اولا تربیت محور باشند نه شخصیت محور. ثانيا رسانه ابزار تفکر است نه ابزار غفلت. به این جهت لازم است در راستای شکوفایی و رشد افکار ملت قدم بردارد.

نظارت بر محیط؛ ارائه اطلاعات صحیح و انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، از سایر وظایف رسانه هاست.

رسانه ها عبارتند از: صدا و سیما، گویندگان، نویسندگان، مبلغان، روزنامه ها، کتاب ها، فیلم ها؛ که به متولیان آن امروزه ما اصحاب رسانه اطلاق می کنیم و شایسته است گفته شود: هر شخص حقیقی و حقوقی و وسیله صوتی، تصویری و کتبی که به نوعی پیام رسانی کند و موجب ارتباطات در جامعه باشد، نوعی رسانه محسوب می شود.

اساسا هر ملت و مکتبی برای حفظ و بقایش نیاز به رسانه ای دارد که از آن طریق خود را اثبات و معرفی نموده و موجودیتش را اعلام نماید. البته رسانه های حق و مثبت را جندالله و رسانه های منفی و باطل را جنود شیطان باید قلمداد کنیم.

«زبان» که نقش رسانه را در وجود انسان بازی می کند، از حساس ترین و مهم ترین اعضای بدن محسوب می شود. درباره حضرت لقمان گفته اند که:

ایشان مدتی غلام یکی از ثروتمندان بوده است. روزی آن ثروتمند به لقمان دستور داد گوسفندی را ذبح نماید و بهترین اعضای آن را بیاورد. لقمان گوسفند را ذبح کرده و زبان گوسفند را برای ارباب آورد. بعد از چند روزی ارباب دوباره به لقمان گفت: «گوسفندی را ذبح کن و بدترین اعضای آن را نزد من بیاور». لقمان باز هم زبان گوسفند را برای ارباب آورد. ارباب که از این عمل لقمان حکیم شگفت زده شده بود، علّت امر را خواستار شد. لقمان گفت:

«اگر زبان سالم باشد، بقیه اعضا سالم خواهد بود؛ پس بهترین اعضاست، و اگر زبان نا سالم باشد، بقیه اعضا نیز سلامت نخواهند بود. بنابراین زبان هم بهترین و هم بدترین اعضا در کشور وجود است». [2]

از منظر امام خمینی¹ رسانه ها مربی و معلم یک جامعه می باشند؛ ایشان در این زمینه می فرماید: «تمام رسانه ها مربی یک کشور هستند؛ باید تربیت کنند کشور را، افراد یک کشور را؛ و باید خدمت کنند به ملت. روزنامه از ملت است و برای ملت است؛ و چنانچه برخلاف مسیر ملت بخواهد یک روزنامه ای یا چیز دیگری رفتار بکند، خود ملت با او مخالفت می کنند». [3]

اهمیت تبلیغات رادیو و تلویزیون

امام خمینی¹ در سخن دیگری به اهمیت تبلیغات رادیو و تلویزیون پرداخته و می فرماید:

«رادیو تلویزیون می تواند یک مملکت را اصلاح کند و می تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می تواند، نه سینما می تواند، نه تئاتر می تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابر است می تواند؛ برای اینکه اینها همه شعاعشان محدود است. رادیو شعاعش مثل تلویزیون است، لکن فقط سمعی است. تلویزیون هم سمع است و هم بصر... تبلیغات تلویزیون می تواند از راه سمع، مردم را یا تربیت کند؛ یا اینکه منهدم کند انسانیت آدم را؛ و از این جهت مسئولیت رادیو تلویزیون و افرادی که آنجا را اداره می خواهند بکنند، از همه قشرهای دیگر بیشتر است و اثر تبلیغات آنها هم از همه بیشتر است؛ یعنی اگر رادیو تلویزیون صحیح ما داشته باشیم، در تمام کشور این مسائل صحیح منتشر می شود و عامی و غیرعامی همه از [آن] استفاده می کنند. و چنانچه این رادیو تلویزیون، خدای نخواستہ یک انحرافی داشته باشد، همه جمعیت را منحرف می کند. الآن هم می بینید که قضیه رادیو تلویزیون یک چیز عمومی شده است، ... چیزی است که الآن در سطح عمومی است...»

تمام این رسانه ها باید مربی این جامعه باشند. از اول هم اینها که درست شد، برای تربیت درست شد. فرض کنید که برای تربیت درست نکرده اند؛ اما این آلات تربیت است. روزنامه و مجله باید مربی باشد برای آنهایی که روزنامه خوانند. سینما باید مربی باشد برای آنها [یی] که در سینما وارد می شوند. تئاتر هم همین طور. و تلویزیون و رادیو هم از همه بالاتر. اینها باید یک دارالتبلیغی، یک دستگاه سازنده باشد که به وسیله اینها یک مملکت، افرادش یک افراد امین صالح، یک افراد ملی اسلامی بشود». [4]

با توجه به سخنان پیش گفته، به بررسی برخی از آسیب های رسانه ها، به ویژه در موضوع تعریف و تخریب بی مورد و مدح و قدح بی جا می پردازیم:

برخی از آسیب‌ها ی رسانه‌ها

آسیب‌ها و گناهان متعددی که ممکن است اصحاب رسانه‌های عمومی را گرفتار کند، عبارتند از:

- عامل نبودن به گفته‌ها

معلى از حضرت صادق(علیه السلام) روایت می‌کند که فرمودند: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَذْلًا ثُمَّ عَمِلَ بِغَيْرِهِ [5]؛ روز قیامت کسانی زیاد حسرت می‌خورند که از عدالت سخن گفته ولی در هنگام عمل، آن را به کار نبسته‌اند».

اگر اصحاب رسانه‌ها سخن از عدالت و ارزش‌ها بگویند ولی خود عملاً دچار افراط و تفریط شوند و آن را رعایت نکنند، مشمول این حدیث شریف خواهند شد.

در روایتی دیگر که باز هم مصداق اتم آن رسانه‌ها و کسانی است که تربیون‌های عمومی را در اختیار دارند، آمده که رسول خدا(ص) فرمود:

«مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِى عَلَى أَنَاسٍ تُقْرَضُ شَفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرِئِيلُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا مِمَّنْ كَانُوا يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ يَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ ؛ [6] در شب معراج به گروهی برخورد کردم که ماموران الهی آنان را عذاب می‌کردند، به این صورت که: با قیچی‌هایی از آتش، لب‌های آنان را می‌بریدند. وقتی از جبرئیل پرسیدم، توضیح داد که آنان خطبا و سخنرانان از اهل دنیا هستند که مردم را به نیکی دعوت می‌کنند ولی خود را فراموش کرده‌اند».

آری اگر اصحاب رسانه‌ها فقط به فکر امر و نهی باشند و انتقاد و ایراد بگیرند ولی از اصلاح خود و رسالت خطیرشان غافل شوند که بیان و بنانشان بر محور حق بچرخد قطعاً از زیانکاران خواهند بود.

- دروغ پراکنی

دروغ‌گویی و دروغ‌پراکنی از مهم‌ترین آسیب‌های رسانه‌هاست که به شدت بر جایگاه رفیع آنها لطمه می‌زند. قرآن می‌فرماید:

(إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ) [7]؛

«تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند. (آری)، دروغ‌گویان واقعی آنها هستند!».

محمد بن مسلم از امام باقر(علیه السلام) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ، وَ الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ؛ [8] خداوند متعال برای کارهای بد قفل‌هایی قرار داده و کلید آن با شراب می‌باشد و دروغ از نوشیدن شراب هم بدتر است».

امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«من ارباب جراید و رسانه‌ها و گویندگان را نصیحت می‌کنم که دست از این شایعه‌افکنی‌ها بردارند و مسائل بیهوده و مطالب دروغ را برای زیاد شدن تیراژ پخش نکنند که اگر احساس توطئه و افساد شود، ملت با آنها به طوری دیگر عمل می‌کنند. از آزادی سوء استفاده نکنید؛ و مسیر ملت را رها ننمایید، و از بزرگ‌نمایش دادن وقایع کوچک بپرهیزید؛ که صلاح ملک و ملت در آن است».

[9]

- چاپلوسی و تملق

از دیگر خطرات و آسیب‌های رسانه‌ها که به شدت آنان را تهدید می‌کند و در فرهنگ اسلامی از آن نهی شده است، چاپلوسی و تملق است. البته رسانه‌هایی که از سوی اشخاص متنفذ و یا حزب و گروهی تغذیه شوند، بیشتر در معرض چنین آسیبی خواهند بود.

گاهی در رسانه ها در مدح کسی یا جریانی چنان قلم فرسایی و افراط و مبالغه دیده می شود که مخاطب را به تردید در نیت گردانندگان آن رسانه وامی دارد و انسان را بی اختیار به یاد آن روایتی می اندازد که پیامبر(ص) فرمود: «أُحْتُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ النَّارَ» ؛ [10] به صورت مداحان افراطی و متملق خاک بپاشید».

ضرر این تملق افزون بر خود جامعه، به کسی برمی گردد که از او ستایش بی جا می شود و شناختن او را نسبت به خودش سخت تر گردانیده و حتی از خود بیگانه می کند و او را دچار غرور می گرداند. همچنان که گفته اند:

هر که را مردم سجودش می کنند

زهرها در جان او می آکنند

اگر اصحاب رسانه به این آفت دچار شوند، چنان حق و باطل را مخلوط می کنند که شناختن آن حتی برای افراد خبره مشکل می شود. آنان با تملق، انسان های سست اراده را شجاع و مردان قوی دل را زبون قلمداد می کنند، افراد بی کفایت را کار آمد و خادمان حقیقی را بی تدبیر و ناکار آمد معرفی می کنند. در این صورت به باطل، چهره حق پوشانده و حقیقت خواهان را ترور شخصیت می کنند. رسانه ها به ویژه در ایام انتخابات گوناگون باید از این خطر برحذر باشند.

برخورد امام خمینی با مدح بی جا

امام خمینی (ره) وقتی که مرحوم استاد آقای فخرالدین حجازی، (نماینده اول مردم تهران در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی) سخنرانی خود را با جمله «بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي» آغاز کرد و بقیه محتوای سخنرانی نیز در تجلیل از مقام امام و مبالغه در شخصیت ایشان بود، با گلایه شدید از وی فرمود :

«من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان، برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسان ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید، فرمودند». [11]

امام خمینی که شخصیتی کمال یافته بود با این عمل خود، درسی آموزنده به سخنرانان و اصحاب رسانه آموخت که آنان بدانند حتی شخصیتی بی نظیر همچون ایشان را نیز نباید بیش از مقامش ستود. پس اگر افراط در ستایش شخصیت های شایسته روا نیست، قطعاً افراد ناشایست را ستودن بدتر و زشت تر خواهد بود. به این جهت امیرمومنان(علیه السلام) فرمود: «يَهْلِكُ فِي اثْنَانِ مُحِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ» ؛ [12] دو دسته در مورد من به هلاکت می رسند: دوست افراطی و دشمنی که در مورد من حرف(های بی ربط) می زند».

رسول خدا(ص) مدح افراد ناشایست را شدیداً نهی کرده و فرموده است: «مَنْ مَدَحَ سُلْطَانًا جَائِرًا أَوْ تَخَفَّفَ وَ تَضَعَّضَ لَهُ طَمَعًا فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» ؛ [13] هرکس فرمانروای ستم پیشه ای را مدح کند و خود را در برابر او کوچک سازد تا به نوایی برسد، در جهنم همنشین او خواهد بود و لذا خداوند فرمود: (وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ). [14]

امیر کبیر و چاپلوسان

پس از مرگ محمد شاه و آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر، قآانی به مداحی درباره شاه و امیرکبیر پرداخت و بیش از ده قصیده در مدح امیر کبیر گفت. او در اشعارش وی را تاج امم، اتابک اعظم، کتاب رحمت،

دفتر فیض و فهرست فضل و... لقب داده بود. وی روزی به امید گرفتن کیسه های زر، به خدمت امیرکبیر رفت. امیر نگاهی به قآانی انداخت و پرسید: چه می خواهی؟ قآانی قدمی به جلو گذاشت و گفت: ای امیر! شما از میزان ارادت من به خود اطلاع دارید. چرا اجازه نمی دهید هر چند مدت یکبار من حضورتان برسم و قصیده ای را که در بیان اوصاف جمیله آن حضرت سروده ام برایتان بخوانم؟ امیر در پاسخ گفت: حقیقتش را بخواهید، من در اثر فشار کار های مملکتی فرصت شنیدن اشعار ندارم. امروزه مردم به کار احتیاج دارند و بدون کار هم نجات ملت میسر نیست. قآانی لبخندی زد و گفت: مقصودتان این است که به شعر احتیاج ندارند؟ چون قآانی به اخلاق امیر آشنایی داشت و می دانست که ممکن است اصلا به وی اجازه خواندن شعر را ندهد، بدون اینکه منتظر اجازه او شود، شروع به خواندن قصیده اش کرد:

نسیم خلد می وزد مگر زجویارها

که بوی مشک می دهد، هوای مرغزارها

خوش است کامشب ای صنم خوریم می به یاد جم

که گشت دولت عجم، قوی چو کوهسارها

ز سعی صدر نامور، مهین امیر داد گر

کزو گشوده باب و در، زحصن و از حصارها

امیر شه امین شه، یسار شه یمین شه

که سر زآفرین شه، به عرش سوده بارها

به هفت خط و چارحد، به هر دیار و هر بلد

فزون زحصر و حد، تو راست جان نثارها

دو سال هست کمترک، که فکرت تو چون محک

ز نقد جان یک به یک، به سنگ زد عیارها

به جای ظالمی شقی، نشسته عادلای تقی

که مؤمنان متقی، کنند افتخارها

در اینجا قآانی لحظاتی مکث کرد و قصد داشت که دنباله قصیده را بخواند که امیر دست خود را بالا برد و گفت:

آقا! بس کنید! مقصودتان از ظالم شقی کیست؟ قآانی ساکت ماند و امیر ادامه داد:

مقصودتان حاجی میرزا آقاسی است؟ همان کسی که ده ها قصیده در مدح او سرودی؟ همان کسی که درباره

زکامش هم شعر گفتی؟! این طور نیست؟ همان کسی که در باره او گفتی:

پناه دولت اسلام، حاجی آقاسی

که همچو دست فلک خامه اش گهر بار است

حال آن اسلام پناه دیروزی، شده ظالم شقی امروزی؟! شما به خاطر گرفتن مشتی زر و سیم همه چیز را زیر پا می

گذارید. خوب می دانم که فردا پس از من شعری در مدح دیگری می گویی و مرا به خیانت و دزدی متهم می کنی!

پس بیهوده نبود که من حقوق متملقان و چاپلوسان را قطع کردم در حالی که می دانم با من دشمن می شوند.

قآانی چون چهره خشمگین امیر را دید، تلاش کرد که از اطاق خارج شود. امیر فریاد کشید: بایستید، و سپس

دستور داد چوب و فلک بیاورند تا قآانی را تنبیه کنند. [15]

- تخریب و تمسخر

از آفات خطرناک رسانه ها، ابتلا به بیماری تخریب و مسخره است که در صورت شیوع آن در میان اصحاب رسانه، ممکن است حتی کارآیی خود را از دست داده و اعتماد عمومی از آنان سلب شود. این گناه نابخشودنی شدیداً مورد نفرت قرآن کریم می باشد. در سوره حجرات می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)؛

[16]

«ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی، زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند. و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!»

و در سوره ای دیگر با لحن شدیدتری از تخریب و تمسخر بر حذر داشته و می فرماید:

(وَيْلٌ لَّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ)؛ [17]

«وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای!».

رسانه ها ممکن است با تخریب و تمسخر، انسان های کاردان و کارآمد را دلسرد کرده و از ادامه خدمت باز دارند؛ هم چنان که با قدردانی از آنان می توانند همت و اراده آنان را تقویت کنند.

البته تخریب غیر از انتقاد دلسوزانه برای اصلاح و تکمیل برنامه هاست؛ چنان که تمسخر غیر از طنز های مشفقانه و خیرخواهانه می باشد.

- فرق انتقاد و تخریب

رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای این نکته ظریف را چنین تبیین می نماید:

«مرز انتقاد، و تخریب چیست؟ تخریب بکنند و اسمش را بگذارند انتقاد؛ یا از ما انتقاد بشود و ما تلقی تخریب از آن داشته باشیم. خب، باید مشخص بشود تخریب کدام است و انتقاد کدام است. معنای انتقاد: آن ارزشیابی منصفانه ای است که یک آدم کارشناس می کند؛ ... آدم متأسفانه می بیند چیزهایی که به نام انتقاد از دولت و نقادی دولت، امروز گفته می شود، شکل همین تخریب را دارد؛ یعنی انکار امتیازات، قبول نکردن برجستگی ها و کارهای خوب، و درشت کردن و برجسته کردن ضعف ها. خب بله، ضعف هست. هر دولتی بالاخره ضعف دارد؛ انسان ها ضعف دارند دیگر؛ ضعف ها را بگویند، قوّت ها را بگویند. جمع بندی کار یک دولت، آن وقتی است که ضعف ها و قوّت ها را منصفانه پهلوی همدیگر قرار بدهند؛ آن وقت می شود جمع بندی کرد. نه اینکه بیایند یکسره بنا کنند به بدگویی کردن و انکار کردن همه خصوصیات. بنده سه تا نقطه اصلی را حالا بیش از این نقاط وجود دارد در اول عرایضم گفتم. خب این سه چیز را بگویند آنچه که در زمینه روحیه دولت و گفتمان اساسی دولت هست، آنچه در زمینه نوع عملکرد دولت هست، آئی که در زمینه خلیات دولتی مجموعه دست اندرکار هست بعد بگویند بله، آنجا هم فلان کار ضعف دارد؛ این اشکالی ندارد. این را با گوش جان بایستی شنید و پذیرفت. اما اینها نباید با بی ملاحظه گی، ندیده گرفتن و بی اعتنائی کردن و حتّی بعضی از نقاط قوّت را به عنوان نقطه ضعف معرفی کردن، همراه باشد». [18]

برخی دیگر از آسیب های رسانه ها

افزون بر مواردی که اشاره شد، آسیب های مهم دیگری که برگرفته از آیات و روایات است نیز اصحاب رسانه را تهدید می کند. حال، به ذکر فهرست آنان اشاره می کنیم:

آزردن مؤمن، ادعای بیجا و بی دلیل، مسخره کردن، اظهار و ایجاد یأس و نومیدی، فضولی و دخالت در کار مردم، تهمت زدن و شایعه پراکنی، افشای عیوب مومنان، ترویج منکرات، مقابله با معروف و ارزش ها، انتقادات بی جا و کینه توزانه، انکار حقایق و کارهای مثبت، اهانت به اشخاص محترم، تفاخر و بازگو کردن کارهای خود، نقل اخبار ضعیف و شنیده ها، مجادله بی مورد، بدعت گذاری در دین و جامعه، بی اعتنائی و تقطیع سخنان دیگران، یادآوری مکرر کمبودها، پخش مکرر اخبار بزهکاران به قصد رواج گناه، گزارش اخبار بیهوده و عبث، طرح پرسش های شبهه ناک، پرسش به خاطر خرده گیری و شرمندگی کردن طرف مقابل، جستجوی اسرار مردم، پر حرفی، حمایت از مفسدان سیاسی و اقتصادی، تقویت ستمگران و ظالمان، حق پوشی و حق کشی، تجاهل، تحریف تاریخ و قرآن و حدیث، ترویج باطل، تردید و شبهه افکنی در مسلمات و اصول و ارزش ها، سرزنش بی جا، ترور شخصیت بزرگان و متدینان، تحمیل کردن اندیشه های نادرست بر جامعه و مسئولان، تزریق روحیه خشونت و تهدید و بحران های کاذب و اضطراب و نگرانی در جامعه، جاسوسی و دادن چراغ سبز به دشمن و هماهنگی با مخالفان نظام اسلامی، چاپلوسی و تملق، پیش داوری غلط در مسائل، ترویج دادن فساد و فحشا و دامن زدن به روابط ناسالم زن و مرد، دورویی و نفاق، فتنه انگیزی، شماتت و زخم زبان، درد دل با دشمنان، سخن چینی و مچ گیری، دروغ پراکنی، شوخی با مقدسات، نام زشت و القاب غیر اخلاقی نهادن بر مردم، عیبجویی، غلو و افراط، فال بد زدن و پیش بینی های مغرضانه، فریبکاری رسانه ای، کار شکنی، تحلیل های غیر شفاف و غیر صادقانه، ترویج کلمات کفرآمیز و واژه های دشمن پسند و بیگانه با فرهنگ اسلامی و ایرانی، بیان سخنان حق و اراده باطل، درج خبر برای گمراه کردن دیگران، گناه خود را به گردن دیگران انداختن و فرا فکنی، منفی بافی، کفران نعمت، ریختن آبروی مؤمن، غوغا سالاری و از همه مهم تر، مدح و ذم بی جا که گاهی در عرصه رسانه ها بروز می کند.

پی نوشت ها:

1. الکافی، ج2، ص.639
2. در یتیم، در زندگانی لقمان حکیم، آیت الله میرزا نصرالله شبستری، ص27 (با اندکی تفاوت).
3. صحیفه امام، ج 7، ص.322
4. همان، ج 9، ص.155
5. بحار الأنوار، ج 69، ص.223
6. همان.
7. نحل./105
8. بحار الأنوار، ج 69، ص.237
9. صحیفه امام، ج 9، ص.255

10. من لايحضره الفقيه، ج4، ص.11

11. صحيفه امام، ج 12، ص343 .

12. بحار الأنوار، ج 25، ص.285

13. من لايحضره الفقيه، ج4، ص.11

14 . هود/113

15. زندگانی امیر کبیر، محمود حکیمی، ص.79

16. حجرات/11

17. همزه/1

18 . سایت خبرگزاری فارس؛ سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اعضای هیئت دولت آقای دکتر احمدی نژاد.
(3/6/87).